

نقشه مفهومی برنامه درسی تربیت معلم

از سوی معاون آموزشی دانشگاه فرهنگیان تشریح شد

گزارش از نصرالله دادار
عکاس: غلامرضا بهرامی

دکتر نعمت‌الله موسی‌پور معاون آموزشی دانشگاه فرهنگیان در دومین نشست گروه تربیت معلم انجمن برنامه درسی، «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران» را تشریح کرد.

تربیت معلم در اختیار دولت

وی افزود: «روزی که تربیت معلم به شکل نوین مطرح شد، عملاً در حوزه اختیارات دولت شکل گرفت. دانش‌سراها از همان ابتدا به‌عنوان واحدهای دولتی پدید آمدند و بعداً دانشگاه تربیت معلم به‌عنوان یک واحد دولتی عمل کرد. در جمهوری اسلامی هم مراکز تربیت معلم با بیش از ۵۰ واحد در کل کشور باز با بودجه دولت شکل گرفت و حتی دولت برای انتخاب معلم هم شرایطی را به‌وجود آورد که افراد خاصی را در این حوزه انتخاب کند. این رسالت در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی با قانونی به نام «قانون متعهدین خدمت به آموزش و پرورش» ظهور پیدا کرد که مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۴ به تصویب رساند و اکنون ۳۰ سال است که مبنای کاری به نام تربیت معلم در ایران بوده است. بنابراین کار تربیت معلم در ایران بعد از انقلاب در دو نوع مرکز، دنبال شده است: یکی در مراکزی به نام مراکز تربیت معلم و دیگری در مراکزی به نام دانشگاه‌های تربیت معلم که شامل دانشگاه‌های

دکتر موسی‌پور در آغاز سخنان خود گفت: «فعالیت دانشگاهی در ایران با تربیت معلم آغاز شد. یعنی اولین نهادهای آموزش عالی که در ایران به‌وجود آمدند، هدفشان تربیت معلم بود. مانند دارالمعلمین، دانش‌سرای مقدماتی، دانش‌سرای عالی و دانشگاه تربیت معلم که سوابقی بیش از سوابق دانشگاه تهران دارند. این‌ها در پی این بودند که به تربیت معلم بپردازند، اما چه نوع تربیت معلمی؟ معلمی برای آموزش نوین در ایران؛ یعنی آموزش مدرن. بنابراین تربیت معلم زاده تعلیم و تربیت نوین است و از همان ابتدا با مدرنیسم و تجددگرایی کاملاً آمیخته شد. بنابراین وقتی دولت تلاش کرد که آموزش نوین را در ایران گسترش دهد، بنیانی‌ترین عنصر آموزش و پرورش نوین را که همان معلم بوده مورد توجه قرار داد. فرض بر این بود که اگر این عنصر به‌گونه‌ای تربیت شود که بتواند مقاصد دولت را در تربیت کودکان دنبال کند، دولت یا حکومت توفیق پیدا کرده است که آنچه را مورد نظر دارد تأمین کند.

**در برنامه‌های
درسی تربیت
معلم باید
تغییراتی ایجاد
شود تا آدم‌هایی
تربیت شوند
که سفیران
تغییر در نظام
آموزش و پرورش
کشور باشند**

تا آنجا که کار پذیرش به روش اول متوقف شد. این کار تا آنجا جلو رفت که مراکز تربیت معلم موجود با مشکل روبه‌رو شدند و از کار تربیت معلم بیرون آمدند. نام آن‌ها هم تغییر پیدا کرد. نام دانشگاه تربیت معلم تهران به دانشگاه خوارزمی، دانشگاه تربیت سبزوار به دانشگاه حکیم سبزواری، دانشگاه تربیت معلم تبریز به دانشگاه شهید مدنی و دانشگاه تربیت معلم کاشان به دانشگاه کاشان تغییر پیدا کرد. البته معنی این کار این نبود که آموزش و پرورش به معلم نیاز ندارد. آموزش و پرورش سالانه حدود ۴۰ هزار نفر نیرو نیاز دارد که ۳۰ هزار نفر از آن‌ها باید معلم شوند و در شرایطی که تعداد دانش‌آموزان هم کم شده است، ما سالانه حدود ۳۰ هزار معلم نیاز داریم. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان سپس گفت: از سال ۱۳۸۵ به بعد عده‌ای به این فکر افتادند که دوباره کار تربیت معلم در ایران با روش اول را احیا کنند و کار تربیت معلم در مراکز خاص از سنین پایین و در شرایط خاص دنبال شود. در ابتدا، این‌ها به این فکر افتادند که جایی به نام مجتمع آموزشی پیامبر اعظم (ص) را ایجاد کنند که تمام مراکز تربیت معلم را به هم وصل می‌کرد. بعد به این نتیجه رسیدند که دانشگاهی به نام دانشگاه فرهنگیان پدید آورند.

**تأسیس دانشگاه فرهنگیان و بازتنظیم
برنامه درسی تربیت معلم**

در سال ۱۳۹۰ دانشگاه فرهنگیان تأسیس شد و بنا شد که این دانشگاه سیاست‌ها را بازنگری کند و اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم را مجدداً تنظیم کند، و البته این کار را با تأکید بر کارورزی و انطباق سطح شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و طراحی سیاست‌های مناسب برای ارتقای شیوه‌های جذب، تربیت و نگهداشت معلمان در آموزش و پرورش انجام دهد. یعنی از همان ابتدا بنا بود که دانشگاه فرهنگیان برنامه درسی تربیت معلم را بازنگری و بازتنظیم کند. ما در تربیت معلم دو نوع برنامه داشته‌ایم: یکی دبیری رشته‌های مختلف که کارشناسی پیوسته بود و دیگری کاردانی و کارشناسی ناپیوسته. تعداد این برنامه‌ها هم خیلی زیاد بود. یعنی بیش از ۱۶ عنوان دبیری، چند ده عنوان کارشناسی ناپیوسته و تعداد زیادی کاردانی براساس رشته‌های مختلف داشتیم. دسته‌ای از این رشته‌ها در گروه نظری بودند و دسته دیگر در گروه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای قرار داشتند.

تربیت معلم تهران، سبزوار، کاشان و تبریز بود. اما وقتی همه این مراکز و دانشگاه‌ها نتوانستند به نیاز آموزش و پرورش پاسخ دهند، اجازه داده شد که دانشگاه‌های دیگر هم به کار تربیت معلم بپردازند.

روش تربیت معلم در قانون متعهدین به خدمت

معاون آموزشی دانشگاه فرهنگیان در ادامه گفت: «قانون متعهدین به خدمت آموزش و پرورش» دو روش را برای تربیت معلم پیش‌بینی کرده بود: روش اول اینکه ابتدا دانشجویانی به مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌های تربیت معلم فرستاده شوند که متعهد شوند در آموزش و پرورش خدمت کنند و به دلیل همین تعهد از مزایایی مانند کارایی، حمایت‌های مالی و سایر حمایت‌های قانونی برخوردار شوند. مثلاً به سربازی نروند و دوره تحصیلتان جزء سوابق کارشان منظور شود و در دوره تحصیل هم ماهانه حقوق بگیرند. روش دوم یا بند دوم این قانون این بود که آموزش و پرورش می‌توانست از میان دانشجویان آزاد دانشگاه‌ها، در سال پایانی تحصیلتان، کسانی را برگزیند و از آن‌ها تعهد خدمت بگیرد و به آن‌ها هم امتیازات لازم را بدهد. این بند یعنی بند دوم به‌ندرت به اجرا درآمد و دولت همیشه ترجیح داده که تربیت معلم را با روش اول به پیش ببرد.

دو نگاه برای تربیت معلم

«از همان ابتدای کار تربیت معلم دو نگاه وجود داشته است که همچنان وجود دارد: نگاه اول این است که دانشجوی تربیت معلم باید در محیط مخصوص تربیت معلم، تربیت شود و از سنین پایین یعنی پایان دبیرستان هم پذیرفته شود که این دیدگاه در ایران غلبه داشته است.

نگاه دوم، همان نگاه بند دوم قانون متعهدین خدمت است که می‌گوید باید دانشجویانی را انتخاب کنیم که در حال تحصیل هستند و شرایط دانشجویی آن‌ها نشان می‌دهد که دارای شرایط لازم برای معلمی هستند و بعد از آن که چند سال کار کردند و نشان دادند که صلاحیت لازم را برای معلمی کسب کرده‌اند، به کار بگماریم. بنابراین طرفداران

نگاه دوم شرایط برنامه‌ریزی شده تربیتی و پذیرش از پایان دوره دبیرستان و انتخاب شغل از پایان دبیرستان را دنبال نمی‌کنند. این نگاه طی سال‌های گذشته، مخصوصاً از دهه ۸۰ به بعد، طرفداران بیشتری پیدا کرد



اجزای تشکیل دهنده معماری برنامه درسی تربیت معلم

دکتر موسی پور در ادامه به اجزای برنامه درسی تربیت معلم اشاره کرد و گفت: ما برای «معماری برنامه درسی تربیت معلم»، بعد از بررسی هایی که انجام دادیم، به این جمع بندی رسیدیم که چنین طرحی باید چند چیز را در خودش داشته باشد و به چند سؤال پاسخ بدهد. در نتیجه به اینجا رسیدیم که ما باید از چندین موضوع به نام اجزای تشکیل دهنده معماری برنامه درسی سخن بگوییم:

۱. منطق برنامه درسی تربیت معلم
۲. رویکردهای برنامه
۳. شایستگی و نقش آن در برنامه
۴. تبیین شایستگی های کلیدی
۵. شایستگی های اساسی
۶. اهداف/ پیامدهای یادگیری
۷. اصول راهنمای طراحی برنامه
۸. انواع دروس و نسبت آن ها با شایستگی های اساسی
۹. نحوه ارائه فرصت های یادگیری
۱۰. قالب های ارائه فرصت های یادگیری
۱۱. عناوین برنامه های درسی تحقق بخش شایستگی ها
۱۲. عناصر و ساختار برنامه درسی دوره- رشته تحصیلی
۱۳. انعطاف های دروس و اختیارات برنامه ریزی
۱۴. چارچوب تنظیم برنامه و سرفصل درس
۱۵. ارزشیابی صلاحیت های (شایستگی های) حرفه ای معلم
۱۶. عناصر و ساختار برنامه درسی رشته «ایشان اضافه کرد: ما برای طراحی کلان این برنامه، یک تیم متشکل از متخصصان رشته های مختلف تشکیل دادیم. فراموش نشود که در مسیر انجام کار ناچار بودیم که به جای اقناع، به صورت اجماع عمل کنیم. ساعت ها برای این کار وقت گذاشتیم. اما این طور نیست که در چنین جمع هایی، کاملاً به جایی برسیم که همه راضی باشند. مخصوصاً وقتی که شما صاحبان رشته های متعدد را دارید و هر کسی به میزانی از خود میان بینی رشته ای برخوردار است. بنابراین منطق اجماع حاکم می شود و در منطق اجماع، گاهی اوقات، نظر تخصصی در پیشگاه رأی غیر تخصصی اکثریت ذبح می شود. این اشکال اجماع در سیستم های دموکراتیک است که در چنین جاهایی امر عقلانی جای خودش را به امر مقبول داده است.
- البته ما برای تصمیم گیری در عمل غیر از این راهی نداشتیم. این اقتضای کار اجرایی است. بنابراین



در حال حاضر رشته های فنی و حرفه ای در اختیار دانشگاه فرهنگیان نیست.

وی افزود: در سال ۱۳۹۱ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه فرهنگیان برای اجرای یک دوره در ۱۶ رشته در مقطع کارشناسی پیوسته مجوز داد.

رشته هایی مانند ارتباط تصویری که در آن سال عمرش ۱۵ ساله بود و حالا ۱۸ ساله است یا آموزش زبان و ادب فارسی که در آن زمان سه ساله بود و حالا شش ساله است. همچنین رشته های تربیت دبیر زبان انگلیسی، جغرافیا، الهیات و معارف اسلامی، تاریخ، تربیت بدنی، ریاضی، علوم اجتماعی را داشتیم که قرار بود برنامه های تربیت معلم برای آن ها رونق بگیرد و در نظام آموزش و پرورش بر پایه مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش، تحول ایجاد کند. بنابراین خیلی روشن است که در برنامه های درسی تربیت معلم باید تغییراتی ایجاد شود تا آدم هایی تربیت شوند که سفیران تغییر در نظام آموزش و پرورش کشور باشند. بدون شک برنامه های پیشین تربیت معلم نه تنها از حیث پاسخ گویی به نیازهای آموزش و پرورش نمی توانستند پاسخ گو باشند، از حیث اعتبار رشته های علمی هم جواب گو نبودند. مثلاً برنامه درسی رشته زیست شناسی با ۹ سال سابقه و شیمی با ۲۱ سال سابقه، هیچ کدام نمی توانستند جوابگوی رشد و تحول علمی و الزامات قانونی دیگری که وجود داشت، باشند. بنابراین لازم بود تغییری به وجود آید، اما این کار نیازمند «طراحی کلان یا معماری برنامه درسی تربیت معلم بود.»

**از روزی که
تربیت معلم
به شکل نوین
مطرح شد،
عملاً در حوزه
اختیارات دولت
شکل گرفت**

**هر گونه اقدام
برای تحقق
شایستگی
حرفه‌ای معلم
در قالب دروسی
دنبال می‌شود
که در برنامه‌های
درسی آموزش
عالی کشور رایج
است و شامل
دروس عمومی،
دروس تربیتی،
دروس پایه،
دروس اصلی،
دروس تربیتی -
محتوایی و
دروس تخصصی
می‌باشد**

۳. شایستگی‌های معطوف به عمل تربیتی موضوعی
۴. شایستگی‌های معطوف به دانش عمومی

شایستگی‌های اساسی

بر اساس آن چه در تبیین شایستگی‌های کلیدی مطرح شد، می‌توان عناوین شایستگی‌های اساسی را این گونه بیان کرد:

۱. آگاه از دانش رشته‌ای؛
۲. توانا در تحقیق در آن رشته؛
۳. آشنا با دانش تربیتی؛
۴. مسلط بر خویش؛
۵. قادر به تحلیل موقعیت تربیتی؛
۶. توانا برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه درسی؛
۷. قادر به آموزش در رشته؛
۸. سواد دینی؛
۹. سواد زبانی؛
۱۰. حفظ سلامت؛
۱۱. حفظ محیط زیست.

انواع دروس و نسبت آن‌ها با

شایستگی‌های اساسی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان با بیان این نکته که وفاداری به اصول برنامه‌های درسی آموزش عالی کشور، یکی از اصول حاکم بر تولید و بازنگری برنامه درسی تربیت معلم است، گفت: «هر گونه اقدام برای تحقق شایستگی حرفه‌ای معلم (شایستگی‌های کلیدی و اساسی)، در قالب انواع دروسی دنبال می‌شود که در برنامه‌های درسی آموزش عالی کشور رایج است و شامل دروس عمومی، دروس تربیتی، دروس پایه، دروس اصلی، دروس تربیتی - محتوایی و دروس تخصصی می‌شود.»

ذکر این نکته ضروری است که ساختار کلان برنامه کنونی رشته‌های تحصیلی، از حیث عملی - نظری بودن دارای انعطاف‌پذیری است و برنامه‌ریزان درسی به اقتضای ماهیت رشته تحصیلی می‌توانند میزان عملی یا نظری بودن برنامه و سرفصل دروس را تعیین کنند. این پدیده، بستر لازم برای تفاوت رشته‌های تحصیلی را فراهم می‌کند. علاوه بر این، نوع تمرکز برنامه درسی بر ابعاد چهارگانه صلاحیت حرفه‌ای معلم نیز به تناسب عملی یا نظری بودن برنامه تغییر می‌کند.»

دکتر موسی‌پور در پایان دیگر اجزای تشکیل‌دهنده نقشه مفهومی برنامه درسی تربیت معلم را تشریح کرد و به سؤال حاضران پاسخ گفت.

رویکردهایی را بر این برنامه حاکم کردیم که عبارت‌اند از: شایستگی محوری، تربیت محوری، تلفیق محوری، انعطاف‌پذیری و عمل گرایی.

همچنین به لحاظ تعهدی که به اسناد بالادستی، مانند مبانی نظری تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، نقشه جامع توسعه علمی کشور، سند تحول بنیادین، سیاست‌های کلی نظام برای تحول در آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی و سند دانشگاه اسلامی و برخی از اسناد قانونی مانند برنامه پنجم داشتیم، ما باید این کار را دنبال می‌کردیم.

معاون آموزشی دانشگاه فرهنگیان سپس به تشریح رویکرد شایستگی پرداخت:

«شایستگی یکی از رویکردهای اساسی ما در این نقشه مفهومی است. ما در این کار یک کل متشکل در هم تنیده به مثابه آن چه که «کتل» از شخصیت به مفهوم هویت تعریف می‌کند، به شایستگی نظر داشتیم. شایستگی مساوی با دانستن نیست. مساوی با مهارت داشتن، علاقه داشتن و عمل کردن نیست و در عین حال آمیخته‌ای از همه این‌هاست. شایستگی این امکان را به فرد می‌دهد تا خودش را در موقعیتی که قرار گرفته است بتواند اولاً ادراک کند، ثانیاً ارزیابی کند و ثالثاً بهبود بخشد. یعنی بداند کیست، در کجاست و چگونه می‌تواند به سمت مقصد مورد نظر حرکت کند.

اما این کل در هم تنیده به همان میزان که کلی است از ابهام هم برخوردار است.

شایستگی از نظر ما ناظر به توصیف عمل یادگیری در صورت‌های متفاوت آن است و تلفیق حیطه‌ها و سطوح یادگیری (حوزه‌ها) را با خود دارد، از وحدت و یکپارچگی در سطوح مختلف یادگیری برخوردار است، انعطاف‌پذیر و پویا و پذیرا نسبت به ویژگی‌ها و مشخصه‌های فردی هم هست. با وجود این، باز هم به سادگی نمی‌توان فهمید شایستگی یعنی چه؟ بنابراین ما برای شایستگی حرفه‌ای معلمی، ابعاد اصلی و فرعی را تعریف کردیم.

وی اضافه کرد: بر این اساس شایستگی معلمی کردن (معلم حرفه‌ای) را به عنوان یک پدیده واحد متشکل از دو نوع: شایستگی کلیدی و شایستگی اساسی دانستیم. شایستگی‌های کلیدی دربردارنده شایستگی‌های اساسی و آن‌ها نیز دربردارنده، اهداف و پیامدهای یادگیری هستند.

شایستگی‌های کلیدی در این برنامه شامل موارد زیر است:

۱. شایستگی‌های معطوف به دانش موضوعی
۲. شایستگی‌های معطوف به دانش تربیتی